

پاره‌ها

و

نکته‌ها^۱

شامل:

- معرفی و نقد کتاب
- نقد نقد
- ترجمه (از عربی به فارسی)
- گزارش
- گفت‌وگو و...

۱. تعبیر «پاره‌ها و نکته‌ها» را از مجله «گزارش میراث» به عاریت گرفته‌ایم. ۲. این بخش، ارزش علمی - پژوهشی ندارد. ۳. رعایت اصول فنی و اخلاقی نقد، ضروری است.

کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)

دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه

سال پنجم، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۹۴ هـ ش / ۱۴۳۷ هـ ق / ۲۰۱۶ م، صص ۱۲۵-۱۲۷

(بخش پاره‌ها و نکته‌ها: غیر علمی - پژوهشی)

ادبیات تطبیقی و ترجمه

غیث خوری*

ادبیات تطبیقی در شمار دانش‌هایی است که هویت و شخصیت ملی یک‌امّت را مشخص نموده و ویژگی‌ها و جلوه‌های آن را کاملاً آشکار می‌سازد؛ این کار با تفکیک و تمیز میان تولید ملی و میراث اصیل آن سرزمین و آنچه از جریان‌های ادبی، گونه‌ها و رویکردهای گوناگون ادبیات به عاریه گرفته شده است، صورت می‌گیرد.

افزون بر این، می‌توان هدف‌ها و آرمان‌هایی را که ادبیات تطبیقی معین نموده است، این‌گونه برشمرد:

۱. این دانش، همان‌گونه که به عنوان عامل مهمی در بررسی فرهنگ دیگر جوامع و تفاهم و سوق‌دادن آن‌ها به همکاری و تعامل به شمار می‌آید؛ پیوند میان برخی ادبیات‌ها با برخی دیگر را ترسیم می‌کند.
۲. ملّت‌ها را در تعیین دقیق تاریخ ادبی خود و کسب معرفت قاطع، یاری نموده و میزان اصالت یا ترکیب و پیوند یک ادبیات را با ادبیات دیگر ملّت‌ها معین می‌نماید؛ یعنی اینکه تاریخ عمومی و اختصاصی جوامع را در ضمن بررسی سیر تاریخی متون ادبی مشخص می‌کند.

یک اثر ادبی، خود به خود، از دایره ادبیات ملی به حوزه ادبیات جهانی منتقل نمی‌گردد، بلکه نیازمند و نتیجه یک حلقه واسطه‌ای است. برای اینکه یک اثر ادبی، جهانی شود لازم است ابتدا ترجمه و چاپ گردد؛ تا از سوی مخاطبان در سراسر جهان مورد پذیرش و استقبال قرار گیرد. اگر چنین کاری صورت نگیرد (ترجمه اثر ادبی) نمی‌توان از جهانی شدن آن سخن گفت، حتی اگر آن اثر ادبی از نظر فنی در سطح بالایی باشد.

*. این نوشتار، در تاریخ ۲۰۱۶/۲/۱ به زبان عربی در سایت زیر انتشار یافته است: www.alkhaleej.ac

دکتر عبده عبود (پژوهشگر حوزه ادبیات تطبیقی از سوریه) در کتاب *الأدب المقارن؛ مشکلات و آفاق* بر این عقیده است که «آثار ترجمه شده، هرگز از سوی مخاطبان مورد استقبال قرار نمی‌گیرند، مگر اینکه ترجمه آن آثار از نظر فنی، تجربه‌ای خوب و مناسب باشد. اثر ادبی، یک اثر فنی - زبانی است که تأثیرش مرهون ماهیت زیباشناختی آن است و بدون تردید تا زمانی که ترجمه ادبی، از تعادل معنوی، ساختاری و زیباشناختی برخوردار نباشد، آن تأثیر زیباشناختی خود را از دست می‌دهد. ترجمه‌های ضعیف و نامناسب، نه تنها آثار ادبی را به دایره جهانی منتقل نمی‌کند، بلکه مانع این انتقال نیز می‌شود. از اینجاست که اهمیت توجه به نوع ترجمه و کیفیت آن - نه فقط به کمیت آن - ضروری به نظر می‌رسد. اما ترجمه در همه احوال، همچنان به عنوان کانال و پل اساسی برای جهانی شدن ادبیات به شمار می‌آید.

زمانی که یک پژوهش‌روایی یا داستانی به زبانی بیگانه ترجمه می‌شود، اطلاعات زیادی از جامعه و محیط خود را به مخاطبان خارجی منتقل می‌کند و نیاز و گرایش ایشان را مبنی بر اینکه برای خود، تصور و فکری از وضعیت و جریان‌های آن جامعه بسازند، پاسخ می‌دهد؛ با این توضیح که اثرروایی یا داستانی، متنی منثور است و در خلال ترجمه به زبان‌های خارجی، بسیاری از ویژگی‌های ساختاری، زیباشناختی و دلالتی خود را از دست نمی‌دهد.

پیوند میان ادبیات تطبیقی و ترجمه، همچنان، «دشوار» و «چالش‌برانگیز» مانده است. مکتب‌ها و جریان‌های مختلف ادبیات تطبیقی، ترجمه را یکی از قلمروهای خود می‌دانند. در حالی که پژوهش‌های معاصر در این زمینه، به این یافته رسیده است که این ادبیات تطبیقی است که تابع پژوهش‌های ترجمه است، نه عکس آن.

بسیاری از پژوهشگران در قرن بیستم بر این دیدگاه هستند که ترجمه، یک فعالیت «ضعیف» و «بی‌مایه» است و کمتر در آن نوآوری و ابداع دیده می‌شود؛ چراکه این ترجمه‌ها غالباً از طریق «ترجمانی حرفه‌ای» و «مزدبگیر» که پاداش مادی خود را هم در پایان کار دریافت می‌کنند، صورت می‌گیرد.

دیدگاه پژوهشگران در باب ارزش‌گذاری نقش ترجمه در تعامل میان فرهنگ‌ها و ادبیات، متفاوت است. همان‌طور که دیدگاه ایشان در خصوص درستی اعتماد به تولیدات ترجمه شده در پژوهش‌های

تطبیقی نیز متفاوت است. همین مسأله سبب شده است که مترجمان به دفاع از خود و پژوهش دربارهٔ اصالت ترجمه و نقش آن در پژوهش‌های ادبی پردازند؛ به خصوص آنجا که پژوهش‌های تطبیقی با قاطعیت تمام به مخالفت با ترجمه پرداخته است. این پژوهش‌های تطبیقی بر این نظر هستند که در پژوهش‌های تطبیقی عالی - در مقایسه با نوع دوم تطبیق‌ها که به ترجمه هم اعتماد می‌کنند - لازم است که متون ادبی با همان زبان اصلی مورد بررسی قرار گیرد؛ چرا که آن زبان، در مقایسه با ترجمهٔ دشوار مترجمان، گونه‌ای برتر و نامحدود از خوانش متون است.

بیشتر پژوهشگران بر این اتفاق نظر دارند که رابطهٔ ادبیات تطبیقی و ترجمه در مجموع، رابطه‌ای درست که دارای ابعاد گسترده باشد تنها در اواخر دههٔ هفتاد از قرن بیستم آشکار گردیده است. یعنی در برهه‌ای از زمان که نظریهٔ هرمنوتیک پژوهشگران ادبیات تطبیقی را در سراسر جهان به خود مشغول کرده بود و این آغاز تأسیس پژوهش‌های ترجمه به عنوان یکی از عناصر مهم نقد فرهنگی امروزی به شمار می‌آید.

پژوهشگر انگلیسی، «سوزان باسنت»، دربارهٔ اهمیت و جایگاه ترجمه چنین می‌گوید: «در طلوع قرن بیست و یکم، زمان آن فرارسیده است که دریابیم؛ برهه‌ای از تاریخ، گذشته است. نوشتن در خلأ ایجاد نمی‌شود، بلکه در داخل یک ساختار نظام‌مند به وجود می‌آید. کار ترجمهٔ متون از ساختار فرهنگی معینی به یک ساختار دیگر، کاری بی‌طرفانه، سالم یا شفاف نیست. ترجمه فعالیت سرشار از توان و انرژی است و سیاست‌های فرهنگی در امر ترجمه، شایستهٔ اهتمام بیشتری در مقایسه با گذشته است. ترجمه، نقش اساسی در تغییر و تحول فرهنگی دارد. وقتی که کارهای دوجانبه را برای تمرین ترجمه بررسی می‌کنیم، با کمک آن ترجمه‌ها، می‌توانیم اوضاع بسیاری از فرهنگ‌های آینده و ارتباط آن‌ها را با دیگر فرهنگ‌ها نیز ببینیم.»

تورج زینی‌وند*

دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی کرمانشاه

کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)

دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه

سال پنجم، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۹۴ هـ ش / ۱۴۳۷ هـ ق / ۲۰۱۶ م، صص ۱۲۹-۱۳۱

(بخش پاره‌ها و نکته‌ها: غیر علمی - پژوهشی)

علی اکبر دهخدا و معرفی فرهنگ و ادب ایرانیان باستان از طریق منابع عربی

دهخدا در کتاب *امثال و حکم* (۱۳۷۰، ج ۳: ۱۵۳۶) پس از نقل چند بیت از اسدی طوسی با مطلع:

مزن رای با تنگدست از نیاز که جز راه بد ناردت پیش باز

از ایران جز آزاده هرگز نخواست خرید از شما بنده هر کس که خواست

عنان قلم از کف او خارج می‌شود، به طور کلی امثال و حکم را فراموش می‌کند و بیش از ۱۷۰ صفحه از کتاب خود را به شرح و توضیح ابیات مذکور اختصاص می‌دهد، در حالی که در این کتاب، تعداد امثال و ابیاتی که شرح آنها بیش از یک صفحه است (حداکثر ۱۰ صفحه) از عدد انگشتان دست تجاوز نمی‌کند.

از آنجا که چنین چیزی در تحلیل امثال و حکم، غیر عادی می‌نماید، شایسته است موضوع این بخش را مورد تأمل و بررسی کوتاهی قرار دهیم:

این بخش گسترده و فربه از *امثال و حکم*، جلوه‌گاه فرهنگی مبارزات سیاسی و اندیشه‌های وطن‌پرستانه دهخداست، زیرا یک پارچه در خدمت فرهنگ و تمدن باستانی ایران است و گنجینه‌ای پر گهر، ولی مغشوش از اطلاعات گوناگون در جهت اصالت و بزرگی ایرانیان است. آیات، احادیث، اشعار و اقوال محققان و صاحب‌نظران به گونه‌ای انتخاب شده که نشان‌دهنده فضایل و مکارم ایرانیان و برتری آنها نسبت به عرب‌هاست. البته، گاه در این بخش، بوی افراط و تعصب نیز مشام را می‌آزارد.

این بخش، با همه آشفتگی و بی‌نظمی‌ای که در آن مشهود است، به یقین منبع الهام برای تألیف کتاب‌ها و مقالات بسیاری درباره ایران باستان شده است، زیرا به سهولت، آثار این ژرف‌نگری و وسعت نظر دهخدا را در تحقیقات مربوط به فرهنگ ایرانی در ادبیات فارسی و عربی که پس از دهخدا صورت گرفته، از طریق مقایسه مآخذ و منابع آنها می‌توان دریافت.

موضوعات بخش ایرانی امثال و حکم

مطالب این بخش، همگی در جهت اثبات برتری ایرانیان نسبت به دیگر اقوام از جهات گوناگون است در اینجا به مهم‌ترین موضوعات این بخش اشاره‌ای گذرا می‌کنیم و برای هر موضوع شواهدی از باب مشت نمونه خروار ذکر می‌کنیم:

۱. دانش و علم ایرانیان

برای نمونه، اشاره به احادیثی مثل: «لَوْ كَانَ هَذَا الْعِلْمُ مُعَلَّقًا بِالشَّرِّ لَنَالَهُ رِجَالٌ مِنْ فَارِسٍ.» (ترجمه: اگر دانش چسبیده به ستاره پروین باشد مردانی از ایرانیان به آن دست می‌یابند.) (ص ۱۵۳۷) و نظر ابن خلدون: «مَنْ الْغَرِيبِ أَنْ حَمَلَةَ الْعِلْمِ فِي الْمِلَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ أَكْثَرُهُمْ مِنَ الْعَجَمِ.» (ترجمه: عجیب اینکه حاملان علم در بین ملت مسلمان غالباً از ایرانیان هستند.) (ص ۱۵۴۱)

۲. برگزیدگی و برتری قوم ایرانی

مثل این حدیث منسوب به پیامبر (ص): «إِنَّ لِلَّهِ خَيْرَتَيْنِ مِنْ خَلْقِهِ، مِنَ الْعَرَبِ قُرَيْشٌ وَمِنَ الْعَجَمِ فَارِسٌ.» (ترجمه: خداوند در میان بندگانش دو قوم برگزیده دارد، در بین عرب‌ها قریش و در غیر عرب‌ها ایرانیان.) در دو آیه از قرآن «أُولِي بَأْسٍ» (ترجمه: صاحبان قدرت و نیرو)، به ایرانیان تفسیر شده است. این آیات مربوط به قوم یهود و کوروش است (ص ۱۵۳۹)

۳. نیاز عرب‌ها به فرهنگ و تمدن ایرانیان و بی‌نیازی ایرانیان به عرب‌ها

از سلیمان بن عبد الملک نقل شده «عجبت لهؤلاء الأعاجم ملكوا ألف سنة فلم يحتاجوا إلينا ساعة وملكننا مائة سنة لم نستغن عنهم ساعة.» (ترجمه: از این ایرانیان تعجب می‌کنم هزار سال حکومت کردند یک ساعت به ما محتاج نشدند و ما ۱۰۰ سال حکومت کردیم در حالی که یک ساعت از آن‌ها بی‌نیاز نشدیم.) نقل از طبقات الأمم قاضی صاعد اندلسی (ص ۱۵۳۹).

۴. انتقال فرهنگ و آداب ایران قبل از اسلام به دولت عباسی

شواهد بسیار برای تأثیر فرهنگ ایرانی در فرهنگ عربی؛ از جمله از ابن خلدون: «فَانْتَقَلَتْ حَضَارَةُ الْفُرسِ لِلْعَرَبِ بَنِي أُمَيَّةٍ وَبَنِي الْعَبَّاسِ...» (ترجمه: پس تمدن ایرانیان به دولت بنی امیه و بنی عباس منتقل شد...) (ص ۱۵۴۲)

۵. عدالت انوشروان

حدیث منسوب به پیامبر: «وُلِدْتُ فِي زَمَنِ الْمَلِكِ الْعَادِلِ.» (ترجمه: در زمان پادشاه عادل به دنیا آمدم.) (ص ۱۵۴۵)

۶. پایبندی ایرانیان به اخلاق نیک و راستی

درباره اعتقادات و اخلاق ایرانیان، جملات بسیاری از تاگور، دینشاه ایرانی، هردوت و نیز کتیبه‌های باستانی درباره اخلاق نیک ایرانیان به شکل پراکنده آمده است. (ص ۱۵۵۵ و ۱۵۴۹)

۷. مدح و ستایش کوروش و داریوش در تورات

بیش از ۷ صفحه از این بخش به جمله‌هایی از تورات، در مدح ایرانیان و شاهان ایرانی اختصاص دارد. (ص ۱۵۴۹-۱۵۵۱ و ۱۵۶۳-۱۵۶۷)

۸. ذکر امثال و حکم ایرانیان قبل از اسلام

دهخدا از عیون الأخبار، یتیمه الدهر، غرر أخبار ملوک الفرس و... امثال و حکم ایرانی بسیاری نقل کرده است (برای اطلاع از این امثال به صفحات ۱۶۴۵ و ۱۶۴۳ و ۱۵۵۱ رجوع کنید).

با این همه می‌بینیم که صاحب بن عباد زمان ما (این تعبیر از تقی‌زاده است) برخی ضرب‌المثل‌های ایرانی را بدون اشاره به هویت ایرانی آن‌ها، نقل کرده است. ضرب‌المثل‌هایی که لباس عربی به تن دارند و در منابع قدیم عربی، از امثال ایرانیان بر شمرده شده‌اند. برای اطلاع از بیش از ۴۰ مورد از این امثال (ر.ک: سبزیان‌پور، ۱۳۸۴ و همان، ۱۳۹۰)

وحید سبزیان‌پور*

استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی کرمانشاه

کتابنامه

۱. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۰)؛ **امثال و حکم**، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.
۲. سبزیان‌پور، وحید (۱۳۸۴)؛ «بازشناسی منابع حکمت‌های عربی کتاب امثال و حکم دهخدا»، **مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی**، دوره ۱، شماره ۳، صص ۵۵-۶۸.
۳. ----- (۱۳۹۰)؛ «نگاهی دوباره به بازشناسی منابع حکمت‌های عربی امثال و حکم دهخدا»، **آینه میراث**، دوره جدید، سال نهم، شماره اول (پیاپی ۴۸)، صص ۸۹-۱۱۷.



English Abstracts